

تاریخچه حکم و نظم و قانونمندی

از زمانی که انسان شناختی از خود و محیط اطراف خود پیدا کرد، متوجه موضوع حساس و حیاتی برای ادامه بقا شد و آن موضوع چیزی بجز حکم نبود. حکم در بین همه جانداران وجود دارد. حیوانات، گیاهان، بصورت غریزی برای ادامه حیات در وجودشان حکم وجود دارد، حیواناتی که گروهی زندگی میکنند همیشه یکی از آنها حکم میکند. حتی حیواناتی که بصورت گروهی زندگی نمیکنند، در مجموعه کوچک خانوادگی خودشان یکی حکم میکند و در مقابل دیگر حیوانات هم نوع ویا غیر هم نوع حکم به عنوان قدرت برتر همیشه وجود دارد و این امر غریزی ادامه حیات میباشد.

گیاهان هم از این امر مستثنی نیستند. امروز دانش ثابت کرده است که برای مثال درختان در یک جنگل بوسیله ریشه های خود اطلاعات مهمی را باهم در میان میگذارند و برای مثال از شرایط آب و هوایی همدیگر را مطلع میسازند و اینجاست که هرکدام بر مبنای غریبه ادامه بقا، حکمی برای ادامه بقای خود به اجرا میگذارند. مثلا برای جذب آب، استحکام ریشه در زمین، ذخیره مواد غذایی و معدنی. گلهای گیاهان دیگر هم از این قاعده جدا نیستند.

در جوامع بشری هم حکم همیشه یک قاعده برای نظم بوده است، حال برخی از این حکم سوء استفاده و برخی در راستای نظم از آن استفاده میکنند. نظم در اینجا همان قوانینی میباشد که در یک جامعه ساختاری بوجود میآورد که اعضای آن جامعه بتوانند بر پایه آن یک همزیستی مناسب را بر مبنای اصول پیش نوشته شده با یکدیگر داشته باشند.

نوع حکومت که از همان ریشه حکم و نظم و قانونمندی میآید، بر مبنای همان مبنای پیش نویس بوجود میآید. در همین راستا پیشرفتهای و تجربه های بشری انواع حکومتها را بوجود آوردند و بر مبنای آن همزیستی جامعه را سامان دادند. نوع حکومت همیشه مورد بحث و گفتگو در جوامع بشری بوده است. اصولا نوع حکومتهای ماندگار بیشتر یک نگاه فلسفی در پس خود دارا میباشد که برگرفته از تجربیات جامعه خود و یا دیگر جوامع بوده است. حکومتهایی پایدار و ماندگار میمانند که در مبنای خواست اجتماعی که پایه در تاریخ و فرهنگ و فلسفه محیطی دارند استوار شده باشند و همچنین با شرایط روز خود را بروز رسانی و باور کنند، اینچنین میتوانند خواسته اکثریت جامعه را بعنوان محور اصلی مشروطیت در پست خود داشته باشند.

در این نوشتار کوتاه به انواع حکومتها پرداخته میشود که محورهای اصلی آن بصورت مختصر و مفید، همچنین توافتهای آنها عنوان میشود.

انواع حکومت و تفاوتهای بنیادین مهم آنها که نشانگر اصلی نوع ساختار میباشد، بصورت خلاصه

پادشاهی و نقش پادشاه در ساختار کشوری

در یک حکومت پادشاهی *monarchie* قدرت در دست یک تن است، ریشه یونانی آن *mono* « تنها »، *arke* « قدرت » میباشد. *monos = seul* (تنها) ، & (فرمانده) *arkhéin = commander* ، یک ساختار سیاسی که قدرت کل در دست یک تن به نام پادشاه میباشد.

در تاریخ اروپا برخی کشورهای پادشاهی، به پادشاهی انتخابی معروف بودند که قدرت پادشاه بر مبنای قوانین محدود بوده است. به مانند گولوا در فرانسه، داگس که درون جمهوری وین بوده است.

به گفته مونتسکیو، یک پادشاهی، یک قدرت سیاسی قطعی نزد یک شخص میباشد، اما این قدرت بر مبنای قانون محدودیت دارد.

انواع ساختار پادشاهی

پادشاهی مطلق، *La monarchie absolue*

پادشاهی مشروطه، *La monarchie constitutionnelle*

پادشاهی الهی، *monarchie divine*

پادشاهی انتخابی، *monarchie électorale*

پادشاهی برپایه انجمن (پارلمانی)، *La monarchie parlementaire*

پادشاهی مطلق، *La monarchie absolue*

کل ساختار کشوری بوسیله یک شخص اداره میشود. نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی بوسیله نمایندگان که پادشاه انتخاب میکند(عمدتا از اشخاصی که بعنوان نجیب زاده معروف بودند) اداره میشوند و پادشاه میتواند در نقش یک قاضی، در تمام امور قضاوت کند. قانون اساسی بر مبنای نظر پادشاه نوشته و یا با نظر او تصویب و به اجرا گذاشته میشود.

پادشاهی مشروطه، *La monarchie constitutionnelle*

زمانی که قدرت پادشاه بر مبنای قانون اساسی مشخص میشود تا تقسیم و توازن قدرت را بین نهادهای مختلف ساختاری و سیاسی با پادشاه را برقرار کند. پادشاه در سیاست کشور همکاری و تصمیمات سیاسی میگیرد.

در قوانین و ساختار چنین سیستم پادشاهی نوشته میشود، زمانی که کشور در خطر و یا حمله جنگ خارجی و یا شورشهای داخلی خونریز قرار میگیرد، بر مبنای قانون جنگی، بصورت موقت تمامی قدرت اجرایی و کشوری به پادشاه داده میشود برای تصمیم گیریهای مهم حیاتی در کمترین زمان ممکن برای نجات کشور.

در واقع در چنین شرایط خاصی به پادشاه اختیارات کامل داده میشود و لقب دیکتاتور خواسته شده به او میدهند، (این موضوع در روم باستان بسیار رایج بوده است).

پادشاهی الهی، monarchie divine

بر پایه حق الهی (روحانی)، در این ساختار که قدیمی میباشد، زمانی قدرت پادشاه مشروعیت پیدا میکند که یک رابطه روحانی با خدا و یا خدایانی بوجود و یا حفظ شود. قدرت پادشاهی پایه اش بر مبنای الاهیات و رابطه ای مستقیم با روحانیت دارد. این ساختار در قرون وسطی، خصوصاً زمانی که کلیسا قدرت بسیار داشت، در کشورهای اروپایی مرسوم بوده است. این ساختار قدیمی هنوز در انگلستان امروزی وجود دارد برای همین است که ملکه رئیس کلیسا انگلیکان anglicane (سیستم کلیسای مسیحی انگلستان) هم میباشد. این ساختار در مراکش هم وجود دارد. آنها میگویند که سلسله الاوتی از نوادگان پیامبر اسلام میباشد. در چنین ساختار پادشاهی، اصالت دینی (اسقف اعظم) بسیار اهمیت دارد.

پادشاهی انتخابی، monarchie électorale

نوعی از ساختار پادشاهی میباشد که پادشاه را بوسیله رای پیران و بزرگان بصورت هماهنگ شده انتخاب میشود. در واقع پیران و بزرگان بین هم صحبت میکنند و بر مبنای یکسری از توافقات و یا با رای گیری نهایی، یک شخص را بعنوان پادشاه انتخاب میکنند. (نهاد پادشاهی-مهیستان) مالزی، واتیکان، امارات متحد عربی

پادشاهی برپایه انجمن (پارلمانی)، La monarchie parlementaire

زمانی که پادشاه یک رئیس برای دولت انتخاب میکند(نخست وزیر) و در مقابل نمایندگان مردم در پارلمان (نهاد قانونگذاری)مسئول و پاسخگو میباشد. در این ساختار پادشاه نماینده دولت و بصورت نمادین رئیس دولت میباشد. پادشاه بصورت یک داور و ضامن اجرای درست قانون اساسی در ساختار سیاسی کشور، همچنین نماد همبستگی ملی و تمامیت ارضی، همچنین پادشاه نماد ادامه تاریخی کشور در دوران زمان میباشد. او نماینده منافع ملی در خارج کشور نیز هست. پادشاه همچنین حق ایتر را که نگاهی به سیاستهای دولت داشته باشد، میتواند مشاوره و اخطار بدهد، همچنین میتواند در زمان لازم ریاست انجمن (شورا) وزیران داشته و داوری نماید. در صورت اختلاف و درگیری در دولت میتواند نقش یک رایزن را بین اعضای دولت برای ادامه اداره کشور ایفا کند. در واقع بر مبنای قانون اساسی قدرت پادشاه محدود است و بقولی او پادشاهی میکند، اما حکومت نمیکند.

نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی بصورت مستقل عمل میکنند. یکی از خصوصیات این ساختار چنین میباشد که پادشاه مشروعیت قضایی و قضاوت ندارد اما در لحظات حساس بر مبنای قانون اساسی میتواند داوری کند.

در چنین سیستمی پادشاه میتواند مورثی و یا انتخابی (پادشاه و یا شهبانو(ملکه)) باشد. معمولاً یک پادشاه یا شهبانو(ملکه) میبایست تربیت و آموزشهای لازم برای این مقام را از دوران نوجوانی دیده باشد. انگلیس، اسپانیا، بلژیک.

این سمت با نامهای دیگری هم وجود دارد به مانند دوک و یا دوشیز در لوگزامبوگ. پرنس در موناکو و لیختنشتاین. امیر در کویت، امارات متحد عربی. امپراتور در ژاپن. سلطان در برونی و عمان، البته به گونه ای عربستان سعودی هم میتوان بعنوان سلطان یاد کرد.

در یک سیستم باز و ازاد مهم قانون اساسی و نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی میباشد که بصورت مستقل و خصوصاً نهاد قانونگذاری بوسیله نمایندگان مردم اداره شوند. در چنین حالتی، ریاست نهاد های قانونگذاری و قضایی بوسیله نمایندگان مردم در انجمن ملی (پارلمان) انتخاب میشوند.

نقش دولت که قدرت اجرایی کشور در دست اوست بوسیله نخست وزیر انتخاب و در انجمن ملی (پارلمان) بوسیله نمایندگان مردم تایید و یا رد میشوند.

نخست وزیر را پادشاه معرفی میکند، اما میبایست بوسیله انجمن ملی (پارلمان) تایید بشود، در صورت رد او، پادشاه شخص دیگری را معرفی مینماید برای تایید بوسیله نمایندگان مردم در انجمن ملی.

لیست کشورهای پادشاهی در جهان

لیست کشورهای سلطانی در جهان

جمهوری

مفهوم کلمه جمهوری در لاتین res publica، در واقع منظور چیزهای عمومی میباشد. یک ابزار سیاسی برای منافع عمومی. جمهوری، از پولیسیا (Politeia) نوشته افلاطون Platon، پولیتیک (Politikie) نوشته ارسطو Aristotle و یک جمهوری (De Republica) از سیسرون، Cicéron، که اینها فرم و محتوای ساختار و سیاست جمهوری را تشکیل و تعریف میکنند. Res در زبان حقوقی لاتین، در واقع یک خواستن است. از نگاه تاریخی منظور توده مردم plèbe است که شامل مردم و یا شهروندان روم، بجز بردگان و زنان و غیر شهروندان (خارج از محدوده) بودند. زمانی که مردم درخواستی از ساختار سیاسی روم (سنا) میداشتند گروهی که بمدت یکسال انتخاب میشدند بعنوان نمایندگان مردم tribun برای درخواست به سنای روم میرفتند و مسائل و مشکلات خود را مطرح میکردند.

سنا SPQR روم تشکیل میشد از اشخاصی با شرایط خاص، فامیلهای بزرگ با نفوذ (ملاکان)، بازرگانان، افراد بزرگ دینی، قانونگذاران، سیاستمداران داخلی و خارجی که البته هرکدام از اینها تعاریف خاص خود را دارند.

بعدها اشخاصی به مانند ژان ژک روسو، ولتر و مونتسکیو جمهوری و ساختار کشورداری و سیاسی را پرورش و بالا بردند.

نخست میبایست اشاره کرد که جمهوری در زبان نوشتاری لاتن، چه انگلیسی و چه فرانسوی، زمانی که با R بزرگ نوشته میشود یک مفهوم عمومی و همگانی دارد و زمانی که با r کوچک نوشته میشود مفهوم سیاست و دولت را شامل میشود.

مجموعه ای از مسائل به مانند، زمین و کالا، حقوق، اختیارات قدرت عمومی و خدمات مناسب کشور که در اختیار یک دولت باشد را جمهوری میگویند، در واقع ساختار چنین رژیم سیاسی را جمهوری گویند Republic- République. این مجموعه در دسترس تمام شهروندان و متعلق به همگی میباشد.

در این چنین ساختاری هر مجموعه و یا چیزی که خصوصی نیست، عمومی میباشد، همچنین برعکس هر چیزی که عمومی نیست، خصوصی میباشد.

مجموعه عمومی شامل تمام چیزهایی که برای همگان در یک کشور میباشد، به مانند، جاده ها، رودخانه ها، دریا، جنگل، ابهای زیرزمینی، زمینهای کشور (بجز مالکیت خصوصی)، دشت، کوه، خدمات عمومی، روسای سازمانهای دولتی، قوانین دولتی، ثبت، موزه، بایگانی، کتابخانه، معادن نفت و طلا و گاز و طبیعی، پول کشور، زبان کشور، واحدهای اندازه گیری، مالیات، درآمد، دولت، مجلس، دانشگاه، پلیس، ارتش، نیروهای انتظامی و نظامی و غیره.

جمهوری ارتباط دارد به یک کشور، و ملیت و مردم آن و از ساختار رژیم سیاسی مستقل میباشد، در واقع همه آنچه برای عموم و مردم است جدای مسائل سیاسی کشوری و دولتی.

جمهوری با r کوچک republic- république در واقع سیستم سیاسی را معرفی میشود که در آن دموکراسی بوجود داشته باشد که رئیس جمهور بوسیله مردم و یا نمایندگان مردم انتخاب میشود. زمانی که رئیس جمهور بوسیله نمایندگان مردم انتخاب شود در واقع متضاد پادشاهی مطلق است، اما قدرت بصورت نمادین در دست یک شخص است، به مانند، پادشاهی پارلمانی به مانند انگلیس، بلژیک، اسپانیا، امپراطوری به مانند ژاپن و یا principauté (شاهزادگی) به مانند موناکو. این ساختار فقط درباره کشورهای دموکرات صدق میکند.

انواع جمهوری

پیشگفتاری کوتاه درباره انواع ساختار جمهوری

زمانی که یک رژیم سیاسی را تعیین میکنیم، برای این است که سازماندهی قدرت عمومی را بسازیم.

رژیم سیاسی میوه بازی قدرت سیاسی بر اساس نهاد هایی میباشد که در اساس قانون اساسی و یا رسوم تعیین شده است، که البته فاکتورهای دیگری هم در برای ساختار قانون اساسی به مانند، تاریخ، فرهنگ که تعیین کننده نهایی یک رژیم میباشد وجود دارد.

تمام جمهوری ها دموکرات نیستند. وجه تمایز یک جمهوری دموکرات به وجود احزاب متفاوت سیاسی و آزادی انتخاب شهروندان است و همچنین جدا سازی قدرتها در بین نهاد قانون گذاری (législatif)، اجرایی (exécutif) و قضایی (judiciaire) میباشد.

(در فرهنگ و از نگاه غرب)

انواع رژیم جمهوری

رژیم شورایی (régime d'assemblée)
 رژیم مجلسی، پارلمان (régime parlementaire)
 رژیم رئیس جمهوری (régime présidentiel)
 رژیم ادغامی (régime mixte)

رژیم شورایی (régime d'assemblée)

رژیم شورایی یک ساختار نهادی میباشد که قدرتهای یک کشور دارای کمیته های (شورا) هستند که بوسیله رای مستقیم مردم انتخاب میشوند. این کمیته های مسئولیت اجرایی و در صورت لزوم قضایی را انجام میدهند.

چنین ساختاری یک سردرگمی قدرت را بوجود میآورد و در نهایت به یک قدرت مطلق از طرف قانونگذاران تبدیل میشود، در واقع مجلس قدرت مطلق در برابر نهاد اجرایی و قضایی قرار میگیرد.

معمولا چنین رژیمی بصورت موقت در زمانهای گذار انقلابی و یا تغییر قانون اساسی یک کشور تشکیل میشود تا رسیدن به یک دولت پایدار. این اتفاق یکبار در فرانسه بین سالهای ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ به اجرا گذاشته شد.

رژیم مجلسی (پارلمان) (régime parlementaire)

چنین ساختار کشورداری، هم در ساختار پادشاهی و هم در ساختار جمهوری میتواند به اجرا در بیاید.

ساختار پارلمانی با ساختار شورایی بسیار متفاوت است، خصوصا در راستای جدایی قدرت بین نهاد قانونگذاری، اجرایی و قضایی، همچنین وجود مکانیسمهای نظارتی در صورت عدم توافق بین نهاد اجرایی و قانونگذاری. یکی از ویژگی های این چنین ساختاری، بر روی رای اعتماد اکثریت مجلس (نهاد قانونگذاری) به دولت (نهاد اجرایی) است. در واقع دولت مسئول در مقابل مجلس میباشد، و اگر رای اعتماد اکثریت مجلس را نداشته باشد، مجبور به استعفا میباشد.

به همین دلیل بین رئیس دولت و دولت وجه تمایز وجود دارد. در واقع دولت مسئول اجرایی (Gouvernement) با رئیس دولت (رئیس جمهور و یا نخست وزیر) تفاوت دارد. یکی از دلایل آن این است که برای مثال در ساختار پادشاهی که در بالا عنوان شد، نخست وزیر نماینده سمبلیک پادشاه در ساختار اجرایی و در راس دولت میباشد و مسئول تدارک حکومت میباشد و دخالتی در کارهای سیاسی و اجرایی کشورداری ندارد. از سوئی وزرا و رئیس دولت او تحت نظارت مجلس کارها را به اجرا در میآورند، به همین دلیل اکثر کارهای رئیس دولت باید توسط اعضای دولت مورد تایید قرر بگیرد. در این راستا رابطه تنگاتنگ دولت زیر نظر کمیسیونهای مختلف مجلس و جلسات مجلس و پاسخگویی دولت به مجلس ادامه پیدا میکند. در واقع قدرت نهاد قانونگذاری و اجرایی و مسئولیتهای آنها بسیار نزدیک و تنگاتنگ است. بخاطر همین رابطه تنگاتنگ و مسئولیتهای میباشد که غالبا اعضای وزرا از بین اعضای مجلس انتخاب میشوند و وزرا در مسائل پیشنهادها و پیشنویسهای قانونگذاری مشارکت میکنند.

با توجه به اینکه همیشه شرایط سوء استفاده از قدرت دولت و یا از دست رفتن اعتماد وجود دارد، مکانیسم انحلال دولت بوسیله رئیس دولت و یا (رئیس جمهور/نخست وزیر) به تقاضای نمایندگان پارلمان بوجود دارد.

رژیم رئیس جمهوری (régime présidentiel)

رژیم رئیس جمهوری برای نخستین بار در ایالات متحده امریکا در سال ۱۷۸۷ پایه گذاری شد. این رژیم با جدایی کامل و جدی بین قدرتهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی شناخته میشود. قدرت قانونگذاری انحصار و ابتکار کامل روند قانونگذاری را دارد و قدرت اجرایی قدرت کامل را بر اساس مشروعیت رای گیری عمومی دارا میباشد و قابل سرنگونی و انحلال نیست. قدرت قضایی قدرت و اختیارات گسترده ای را دارا میباشد.

ویژگی اصلی رژیم رئیس جمهوری روی اصل انتخاب رئیس حکومت چه بصورت رای مستقیم و یا غیر مستقیم استوار است.

ویژگی اصلی ساختار و یا رژیم رئیس جمهوری این است که رئیس حکومت، بصورت رای گیری عمومی مستقیم و یا غیر مستقیم انتصاب میشود.

رئیس جمهور یک مشروعیت بسیار قوی دارد که بر همین اساس از قدرت گسترده ای برخوردار میباشد. او قدرت انتخاب و اخراج وزرا همچنین تسلط بر آنها را دارا میباشد. قدرت اجرایی کامل در دست رئیس جمهور است که هم رئیس دولت و هم رئیس حکومت شناخته میشود. هم از نظر سیاسی کشوری و هم از نظر ادامه حیات حکومتی. مسئولیت اجرایی او نمیتواند از طرف نهاد قانونگذاری زیر سؤال برود. همچنین رئیس جمهور هم ابزار و قدرت خاصی برای محدود کردن نهاد قانونگذاری ندارد. هرچند کارهایی را میتواند در راستای محدود کردن قوانین که خوشایندش نیست بوجود بیاورد به مانند حق وتو. مجلس/ پارلمان قدرت های قانونی و نظارتی بسیاری را دارا میباشد و همچنین قدرت و کنترل کامل تائین قوانین را دارا میباشد. آنها دارای مکانیسم های قدرتمند و پیشرفته ای برای بررسی و عملکرد نهاد اجرایی را در دست دارند.

رژیم ادغامی (régime mixte)

این نوع رژیم ادغامی در فرانسه، در زمان ریپابلیک (جمهوری) پنجم (Ve République) با معرفی رژیم ریاست جمهوری با آرای عمومی مستقیم در سال ۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شد. یکسری ویژگی ها از رژیم رئیس جمهوری را دارا میباشد به مانند اینکه رئیس جمهور/حکومت بوسیله رای مردم انتخاب میشود، انتخاب و یا اخراج وزرا، اگر اکثریت مجلس/پارلمان را با دیدگاه های خود همراه کند. رژیم ادغامی برخی ویژگی های رژیم مجلسی (پارلمان) را هم دارا میباشد، به مانند: رئیس دولت از رئیس حکومت متمایز است و مسئولیت رئیس دولت میتواند مورد بازخواست مجلس قرار بگیرد. رئیس حکومت قدرت اختیار انحلال دولت را دارا میباشد و دولت (Gouvernement) قدرت مهمی در بخش قانونگذاری دارد. چنین رژیمی تنها زمانی میتواند عملکرد داشته باشد که یک توافق بین رئیس حکومت و اکثریت مجلس وجود داشته باشد. در چنین شرایط و ساختاری، مسئولیت رئیس دولت دو برابر میشود، در واقع او هم در مقابل رئیس حکومت (رئیس جمهور) و هم در مقابل مجلس پاسخگو میباشد. در غیر اینصورت، چنین رژیم ادغامی به مانند رژیم پارلمانی شبیه است. رئیس جمهور/حکومت، برتری قدرت خود را به وزیر نخستین واگذار میکند (توجه داشته باشید که نخست وزیر (سیستم پادشاهی پارلمانی) با وزیر نخستین (سیستم پارلمانی و یا رئیس جمهوری) در عملکرد سیاسی و کشورداری متفاوت میباشد)

فدرالیسم (Fédéralisme)

در لاتین foederatio/ foedus به معنی، اتحاد، پیوند، قرارداد، معاهده، میثاق، توافق خاص، اتحادیه، کنوانسیون میباشد. یک نوع گروه بندی در جوامع سیاسی برای افزایش همبستگی بین بخشهای کوچک به یک بخش بزرگ و قدرتمند. فدرالیسم یکپارچه و جهانی فلسفه ای از سیاست الکساندر مارک و ادی اونیکس (Alexandre Marc et Eddy Onix)، الهام گرفته شده از نوشته های پیر ژوزف پرودون (Pierre-Joseph Proudhon) یک سندیکالیست انقلابی و یک مسیحی مذهبی اجتماعی بوده است که نظرش بر اساس همکاری و مشارکت و استقلال و همچنین مخالفت با مهین دوستی و فلسفه دولت-ملت بوده است. در حالی که مونتسکیو (Montesquieu) شهرهای باستانی یونان را به عنوان یک فرم و شکل فدراسیون دیده بود، اما در سال ۱۲۹۱ نخستین نوع مدرن فدرالیسم پدید میاید، زمانی که منطقه های سوئیس برای قدرت پیدا کردن، یک پیمان دفاعی مشترک را در کنفدراسیون هلوتیک (Helvétique) به امضا رساندند.

کنفدرالیسم (confédéralisme)

ریشه con از لاتین cum، (که چنین، زمانی که، حالا که، پیشوندی رایج در گذشته) میاید با پسوند foedus و ادامه isme که یک نوع ایدئولوژی، تئوری و یا مکتبی را در راستای اتحاد و پیوند به نمایش میگذارد. این ایدئولوژی سیاسی ساختاری میباشد که یکسری کشورهای مستقل را برای پیوند و اتحاد، بصورت انجمنی بگرد هم جمع میکند که در راستای آن یکسری از منافع مشترکشان حفظ گردد. در این ساختار سیاسی کشورها تصمیم میگیرند که یک قدرت مرکزی درست کنند که به آن کنفدرال (confédéral) میگویند و اینچنین یک کنفدراسیوم تشکیل میشود. مثال اتحادیه اروپا را میتوان در چنین ساختاری دید. از دیگر ساختارهای فدرالیسم میتوان به فدرالیسم قلمرو (خاک/ محله ای) و همچنین فدرالیسم اجتماعی اشاره کرد. نمونه فدرالیسم قلمرویی را میتوان سوئیس و آمریکا و نمونه فدرالیسم اجتماعی را میتوان در زمان سلطه عثمانی ها مشاهده کرد. نکته مهم و قابل توجه این است که بین فدرالیسم و تمرکز زدایی/عدم تمرکز تفاوت های بیشماری وجود دارد و این دو سیستم به مانند یکدیگر نیستند. عدم تمرکز در واقع در راستای ساختار اداری میباشد به مانند کشور فرانسه و فدرالیسم قسمتهای کوچک که میخواهند برای قدرت بیشتر به یکدیگر با توجه به نگهداری استقلال حکومتی بخش خود، پیوندند به مانند آمریکا، سوئیس و یا آلمان.

در بین ۱۳۹ کشور در جهان، ۱۳۶ کشور جمهوری، ۳۴ کشور پادشاهی و یا سلطانی، ۳ کشور شاهزادگی، و ۹ کشور فدرال میباشدند

[این نوشتار بصورت یک برنامه](#)

کلیک کنید

پاینده ایران